

## جمع بندی بحث تشریح:

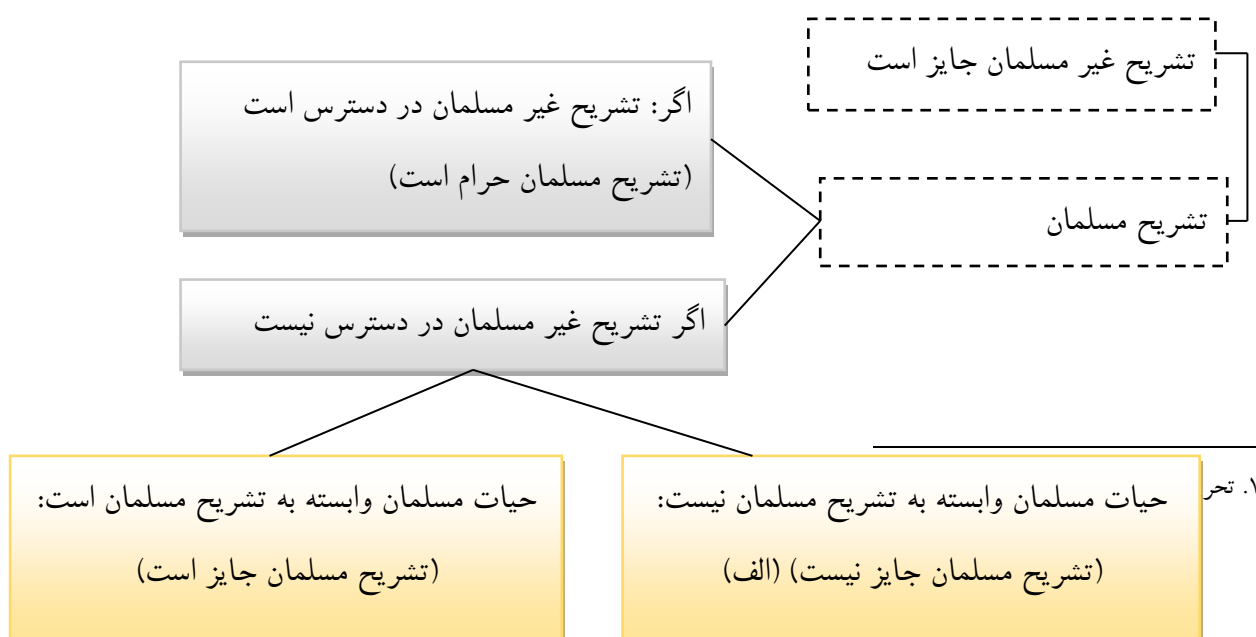
با توجه به آنچه آوردیم، تشریح اگر دارای غرض عقلایی برای پیشبرد علم یا سلامت بشر باشد و هم-چنین اگر برای کشف منشأ جرم واقع شود، بلا اشکال است، همین مطلب را در تقریری که از مباحث حضرت امام موجود است می توان یافت، اگرچه در تحریر الوسیله و استفتاءات به گونه ای دیگر فتوی داده شده است:

ایشان در تحریر الوسیله می نویسند:

- «مسألة ۱: لا يجوز تشریح المیت المسلم، فلو فعل ذلك ففی قطع رأسه و جوارحه دية ذکرناها فی الديات، و أما غیر المسلم فيجوز ذميا كان أو غیره، و لا دية و لا أثم فيه.
- مسألة ۲: لو أمکن تشریح غیر المسلم للتعلّم للطبّية لا يجوز تشریح المسلم و إن توقف حياة مسلم أو جمع من المسلمین علیه، فلو فعل مع إمكان تشریح غیره أثم، و علیه الدية.
- مسألة ۳: لو توقف حفظ حياة المسلم علی التشریح و لم یمكن تشریح غیر المسلم فالظاهر جوازه، و أما لمجرد التعلّم فلا يجوز ما لم تتوقف حياة مسلم علیه.
- مسألة ۴: لا إشکال فی وجوب الدية إذا كان التشریح لمجرد التعلّم و أما فی مورد الضرورة و التوقف المتقدم فلا یبعد السقوط علی إشکال.»<sup>۱</sup>

توضیح:

ماحصل فرمایش ایشان آن است که:





قسمت الف: می تواند صورتی باشد که تشریح روی اجزاء غیر رئیسه است که حیات متوقف بر آن نیست و می تواند در جایی باشد که صرف تعلّم پزشکی است و الان حفظ حیات مسلمان به آن وابستگی ندارد [این بحث را می توان در استفتاءات ایشان هم دید. <sup>۱</sup>]

این در حالی است که مطابق آنچه در تقریرات ایشان آمده است، بحث به گونه ای اوسع مورد فتوی قرار گرفته است:

«نعم، بقى هنا شيء؛ وهو أنه إذا فرض أنّ تشریح جسد المسلم ينتج نفعاً معتداً به - مثل أن يصير سبباً لحفظ حياة الأحياء من المسلمين - يدخل هذا المفروض في باب التزامهم، فإنّ وجوب احترام المؤمن يزاحم وجوب حفظ حياة المسلمين وسلامتهم، فيجب التحريّ عما هو الأهم في نظر الشارع، فإذا أحرز فهو، وإلا فإنّ احتمال الأهميّة في جانب الحفاظ فالظاهر أيضاً هو الجواز، كما في ارتكاب محرّم يحتمل إنقاذ نبي أو وصي به.

بل يمكن أن يقال: إنّ تشریح بدن المسلم مع الضرورة الداعية إليه لا يكون من صغريات الإهانة وخلاف الاحترام، فإنّ «الإهانة» من العناوين القصدية غالباً. ويمكن دعوى انصراف الروايات عما نحن فيه؛ فإنها ناظرة إلى التنكيل الموهن للمسلم، و صرف التقطيع ليس فيه إهانة، كما إذا قطع بدن الحى المسلم الحسم مادة فساد السلّ والسرطان مثلاً، فإنه ليس من الإهانة، بل هو إعانة له فى الحياة والسلامة، فافهم و تأمل.

ومن هنا يمكن القول بجواز التشریح إذا قصد به كشف منشأ الجرم وعلّة موته؛ هل وقع عليه خنقاً ونحوه أو حتفاً؛ إذا صار ذلك سبباً لنجاة المتهمين بقتله، أو الأغراض الأخر الضرورية.»<sup>۲</sup>

۱. موسوعه الامام الخميني، ج ۴۱، ص ۳۸۴.

۲. تقریرات فقه امام خميني، مسائل مستحدثه، نسخه خطی.



ما می گوئیم:

۱. قسمت اول فرمایش ایشان مطابق با فتوای تحریر است

قسمت دوم (یمكن ان يقال)، بحث را به صورت مطلق تجویز کرده است و با عنایت به اینکه «اهانت» از عناوین قصدیه دانسته شده است، تشریح را مصداق آن نمی داند.

۲. در اینکه اهانت از عناوین قصدیه باشد، می توان تأمل کرد ولی در اینکه امروزه تشریح اگر به قصد اهانت نباشد، اهانت نیست، می توان مطمئن بود.

### خاتمه:

اگر کسی وصیت کند که بعد از مرگ، بدن او را برای تشریح به دانشگاه ها و مراکز علمی بدهند، آیا این وصیت جایز و نافذ است؟

برخی از فقهای معاصر، این وصیت را باطل می دانند. حضرت امام<sup>۱</sup>، آیت الله تبریزی<sup>۲</sup> و آیت الله سیستانی<sup>۳</sup>، مرحوم تبریزی دلیل این امر را وجوب حفظ حرمت میت دانسته است.<sup>۴</sup> از این جمله اند. در مقابل نیز برخی از فقهاء این وصیت را نافذ دانسته اند.

مرحوم خوئی می نویسد:

الوجه فی حرمة قطع عضو من اعضاء الميت هو هتكه و عدمه احترامه و لا هتك مع ایصائه بنفسه

بذلک.<sup>۵</sup>

مرحوم فاضل فراتر رفته و عمل به این وصیت را واجب دانسته است.<sup>۶</sup>

مرحوم منتظری نیز به نفوذ این وصیت حکم کرده است.<sup>۷</sup>

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۷.

۲. صراط النجاه، ج ۱، ص ۳۵۳.

۳. منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۴۶۰.

۴. همان.

۵. صراط النجاه، ج ۱، ص ۳۵۳.

۶. جامع المسائل، ص ۵۷۲.

۷. احکام پزشکی، ص ۷۴.



ما می گوئیم:

با توجه به اینکه گفتیم اصل این عمل، حرام نیست، چنین وصیتی از زمره وصیت به محرّمات نیست ولذا کلام صاحب جواهر که می فرماید:

«لا تصح الوصیة بصرف مال مثلا فی معصیة بلا خلاف أجدّه فیّه، كما اعترف به غیر واحد، بل یمکن تحصیل الإجماع علیه.»<sup>۱</sup>



دین خارج فقه ائمه اربعین

۱. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۸، ص ۲۶۳.